**مسجد مرکز تعمیق اخوت ایمانی و رشد فضائل اخلاقی**

# **مقدمه (ایجاد انگیزه)**

«وَ الَّذينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَ كُفْراً وَ تَفْريقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنينَ وَ إِرْصاداً لِمَنْ حارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنا إِلاَّ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكاذِبُون».‏[[1]](#footnote-1) مسجدی در حال سوختن بود اما هیچ کسی مجاز به خاموش نمودن آتش نبود؛ چراکه سوزانده شدن آن به امر الهی بوده است. مسجدی که محلی برای توطئه و ایجاد تفرقه بین مؤمنین باشد باید سوزانده شود! در سال نهم هجرت رسول خدا که عازم جنگ تبوک بودند عده‌ای از منافقین نزد پیامبر آمدند و برای ساختن مسجد اجازه گرفتند تا از این مسجد برای هدف منافقانه خود استفاده کنند اما...

# **طرح مسئله (اقناع اندیشه)**

مسجد بى گمان به عنوان سنگرى كه از آغاز بناى آن تاكنون داراى نقش فرهنگى و آموزشى و تربيتى بوده است مى‏تواند در خصوص رشد فضایل اخلاقی و تعمیق ارتباط برادران ایمانی نقش بسزایی داشته باشد.

«اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ابْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمَا السَّلامُ) يُحَدِّثُ عَنْ اَبيهِ (عَلَيْهِ السَّلامُ) اَنَّهُ قالَ: مَنْ اَسْبَغَ وُضوئَهُ فى بَيْتِهِ وَ تَمَشَّطَ وَ تَطَيَّبَ ثُمَّ مَشى مَنْ بَيْتِهِ غَيْرَ مُسْتَعْجِلٍ وَ عَلَيْهِ السَّكينَةُ وَالْوقارُ اِلَى مُصَّلاهُ رَغْبَةً فى جَماعَةِ الْمُسْلِمينَ لَمْ يَرْفَعْ قَدَماً وَ لَمْ يَضَعْ اُخْرى اِلَّا كُتِبَ لَهُ ‏حَسَنَةٌ، وَ مَحَتْ عَنْهُ سَيِّئَةٌ وَ رُفِعَتْ لَهُ دَرَجَةٌ فَاِذا ما دَخَلَ الْمَسْجِدَ اِلى اَنْ قالَ (عَلَيْهِ السَّلامُ): ثُمَّ اِفْتَتَحَ الصَّلوةَ مَعَ الْاِمامِ جَماعَةً اِلَّا وَجَبَتْلَهُ مِنَ اللَّهِ الْمَغْفِرَةُ وَ الْجَنَّةُ مِنْ قَبْلِ اَنْ يُسَلِّمَ ‏الْاِمامُ؛[[2]](#footnote-2) امام موسى ابن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل فرمود: كسى كه در منزلش وضوى كامل‏ بگیرد و مويش را شانه كند و خود را معطّر نمايد، سپس از خانه‏اش بدون عجله و با آرامش و وقار بيرون آيد و به طرف محل نماز برود در حالى كه ميل به جماعت مسلمين دارد قدمى از زمين برنمى‏دارد و نمى‏گذارد مگر اين كه يك حسنه برايش ‏نوشته شود و يك گناه از او محو گردد و يك درجه به خدا نزديك شود تا زمانى كه ‏داخل مسجد شود. تا اينكه فرمود: سپس نماز را با امام جماعت شروع كند از طرف‏ خدا مغفرت و بهشت بر او واجب مى‏شود قبل از اينكه امام سلام نماز را بدهد».

برای این که مؤمن سمت و سوی الهی پیدا کند باید مسیر و محل تفریح و عبادتش مسجد باشد. او می‌داند که در این مسیر نسبت به قدم‌هایی که برمی‌دارد در پیشگاه الهی درجه و مقام خواهد داشت و این وقار و آرامش می‌تواند زینتی برای حیات مؤمنانه‌اش محسوب شود. یکی از تفریح‌های مؤمن عبادت است و مؤمن نسبت به مسجد مثل ماهی نسبت به آب است؛ چرا که دوست ندارد به راحتی از آن بیرون بیاید. مسجد به عنوان يك مركز ديني براي عموم، نقش اساسي در شكل‏گيري شخصیت افراد و اجتماعات مسلمين دارد. از اين جهت بطور طبيعي مسجد مي‏تواند در جهت‌دهی اخلاقی و رونق بخشیدن به زندگی مؤمنانه نقش خوبی را ایفا کند.

حضور بانوان و مردان و تبادل اعتقادات و خلق و خوی مؤمنانه‌ای که بین مردم شرکت کننده در مسجد حاکم است؛ اطلاعات اجتماعي، جويا شدن از احوال هم و احوال مسلمين، تنها بخشي از اين ظرفيت بزرگي است كه مساجد دارند. در اين مكان‌ها مؤمنان فرصت مي‏يابند با جمعي آشنا شوند كه از نظر دين و عبوديت با آنان هم‌رنگ هستند و توان ايجاد گروه‌هاي اجتماعي هماهنگ را دارند؛ بنابراين آنان مي‏توانند از بين اهل مسجد برادران يا خواهران مناسبی، از حيث ديني، براي خود بيابند زیرا این افراد در ابعاد اخلاقی و اجتماعي شباهت‌های زیادی به هم دارند. امام صادق (عليه‏السلام) در این مورد فرمود: «يَا فَضْلُ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا، وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا. يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ‏ الْمَسْجِدِ بِأَقَلَ‏ مِنْ‏ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)».[[3]](#footnote-3) اهل مسجد به كمتر از يكي از سه چيز از مسجد بر نمي‏گردد [كه يكي از آنها] دوستي است كه از او در مسير خدا استفاده مي‏كند. زنان و مردان با حضور در مساجد، مي‏توانند از يك اجتماع سالم ديني بهره‏مند شوند. طبق روايتي كه از امام علي (عليه‏السلام) نقل شد، تأثيرات رفتاري كه حضور در مسجد برجاي مي‏گذارد، مي‏تواند جامعه ديني را از فساد و گناه پاك كرده و مسلمين را به سمت يك جامعه سالم هدايت كند. «مَنِ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخاً مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ عِلْماً مُسْتَطْرَفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشْيَةً أَوْ حَيَاء؛[[4]](#footnote-4)...يا كلماتي مي‏شنود كه او را از فساد و گناه باز مي‏دارد و يا به خاطر ترس [از خدا] يا حيا و آبرو، گناهي را ترك مي‏كند».

بر اين اساس حضور در مسجد، مي‏تواند نقش بازدارنده در ارتكاب جرايم و گناهان نيز داشته باشد و افرادی که در مسجد حضور دارند و دوستانی مسجدی دارند کمتر به سمت جرائم حرکت می‌کنند با اندکی دقت در می‌یابیم که ماه مبارک رمضان که جلوه های معنویت در بین عموم مردم نمود دارد، آمار جرم و جنایت نیز کاهش داشته است. قال رسول اللّه‏ (صلي‏الله ‏عليه ‏و ‏آله): «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ‏ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْه‏؛[[5]](#footnote-5) هفت گروه در قيامت مورد توجه خدا قرار مي‏گيرند... [كه از جمله آنهاست،] شخصي كه وقتي از مسجد خارج مي‏شود تا زمان برگشت، توجه‏اش به مسجد باشد». اين همه نشان مي‏دهد، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنيوي که همان رشد در جهت اخوت و برادری بین مردم بوده، از جنبه اخروي و كمالات معنوي نيز ـ به عنوان عاملي تأثيرگذار ـ مورد توجّه است.

نقل است كه شيخ الرئيس ابوعلي سينا براي ابو سعيد ابوالخير نوشت: چه لزومي دارد، مردم همه در مسجد اجتماع كنند، با اينكه خداوند از رگ گردن به انسان نزديكتر است. هرجا كه باشي اگر رابطه‏ات با خدا برقرار باشد، نتيجه خواهي گرفت. وي در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در يك‏جا روشن باشد، اگر يكي از آنها خاموش شد، چراغ‌هاي ديگر روشن است، ولي اگر همان چراغ‌ها هر كدام در يك اطاق باشد، اگر يكي از آنها خاموش شد، آن اتاق در تاريكي فرو خواهد رفت. انسان‌ها نيز اين‏گونه‏اند؛ تربيت سياسي كه در مسجد ارائه مي‏شود، به دليل ماهيت مذهبي آن مي‏تواند نسلي را پديد آورد كه پشتوانه جامعه ديني باشند و در برابر حوادث سياسي هوشياري لازم را داشته باشند. بعضي گناهكارند، اگر تنها باشند، شايد موفق به كسب فيوضات الهي نشوند، ولي اگر در جمع باشند، شايد خداوند به بركت افراد ديگر، آنها را هم مشمول بركات خود سازد.[[6]](#footnote-6)

شخصی به نام ابوسلیمان حلوانی در مورد صفات مؤمنین از امام صادق (علیه السلام) سئوال کرد و ایشان فرمود: صفت مؤمن نيرومندي است در دين، و احتياط است در نرمش، و ايمان است در باور و يقين، و حرص و علاقه شديد در فهم و فقه، و نشاط و جديّت در هدايت، و نيكي در پايداري و استقامت، و چشم‌پوشي و خودداري هنگام شهوت و هوس، و دانش در حلم و بردباري، و شكرگزاري در مدارا، و بخشندگي در حقّ، و ميانه‌روي در غني و بي‌نيازي، و آراستگي در فقر و بي‌چيزي، و گذشت در نيرومندي، و طاعت و بندگي در خيرخواهي، و پارسائي در خواهش و ميل، و رغبت شديد در جهاد، و نماز در گرفتاري، و شكيبائي در سختي، و در سختي‌ها با متانت، و در ناخوشايندي‌ها شكيبا، و در رفاه و خوشي‌ها شكرگزار است؛ غيبت نمي‌كند، و تكبّر نمي‌ورزد، و تعدّي و تجاوز نمي‌نمايد و اگر بر او تعدّي و ستمي شود شكيبائي مي‌كند، و از خويشاوند نمي‌بُرد، و سست و ضعيف، و سخت‌دل و خشن و بدخُلق نيست، نگاهش از كنترل او خارج نمي‌شود، و شكمش او را به رسوائي نمي‌كشاند، و عورتش بر او چيره نمي‌گردد، و به مردم حسد نمي‌ورزد، و سستي نمي‌كند، و تبذير و تلف و اسراف و زياده‌روي نمي‌نمايد، بلكه ميانه‌روي مي‌كند، و به ستمديده ياري و به مستمندان مهرباني مي‌نمايد، نَفسش از او در زحمت و مردم از او در راحت هستند، در جاه دنيا رغبت و از رنج آن بي‌تابي نمي‌كند؛ مردم كاري و مهمّي دارند (دنيا) كه به آن روي آورده‌اند و او مهّم ديگري دارد (دين و آخرت) كه او را به خود مشغول ساخته است؛ در حلم و بردباريش نقصاني و در رأي و انديشه‌اش سستي و در دينش تباهي ديده نمي‌شود؛ كسي را كه با او مشورت نمايد راهنمائي مي‌كند، و هركس را كه به او كمك كند ياري مي‌نمايد، از باطل و فحش و جهالت مي‌ترسد و مي‌گريزد؛ و صفت مؤمن اينهاست [[7]](#footnote-7).

فضایل اخلاقی که در مورد مؤمن بیان شد به وضوح می‌توان دریافت که برای روشن شدن این گونه فضایل در یک انسان و نیز تقویت آن به جمعی مؤمنانه مثل نهاد خانواده و بستری مساعد مثل مساجد نیاز است تا در به ایجاد و رشد آن فضیلت‌ها منجر شود. همان طورى كه شناخت صفات مؤمن در اخلاق نیکو داشتن تأثيرگذار است، شناخت صفات بد اشخاص نيز نقش‌آفرين است؛ چرا که در مواردی خوب است. شناخت صفات رذیله به مؤمن کمک می‌کند تا زندگی و اخلاق خویش را با آن تنظیم کند و آن رذیله‌ای که در خود وجود دارد را دنبال کند و برای حذف آن چاره‌ای بیندیشد. آموزش ادب از بی‌ادبان نیز خود مسیری است. در مسجد و در کنار هم بودن برخی از نواقص و رذایل افراد نیز نمود پیدا می‌کند. به عنوان مثال در این اجتماع می تواند خصت، دروغ، غیبت و... را ببیند و نسبت به رفع آن در خود و نیز دیگران برنامه‌ریزی کند.

شناخت صفات رذیله اخلاقی مانند: احساس حقارت، بى‌حوصلگى، بداخلاقى، افراط در دوستى، نااميدى، خودكم‌بينى، عقايد گمراه‌كننده، عادات غلط و بى‌اعتنايى به ارزش‌ها و... انسان را بر آن مى‌دارد تا درصدد رفع و حذف نكات بداخلاقی خویش قرار گیرد و با حساسيت ويژه به خود بنگرد تا رفتار، كردار و گفتار خود را با منطق حل و فصل کند و این در موارد دوستان خوب مسجدی، مثل کف دست و پشت دست برای اصلاح هم کمک خواهند کرد.

# **نتیجه‌گیری**

با مؤمنان نشست و برخواست کردن خیلی از نکات خوب و بد انسان را نمایان خواهند کرد. برادران ایمانی در مسجد با رفتار یا با گفتار خود مثل آیینه این مهرورزی را انجام می دهند؛ چرا که مؤمن آینه مؤمن است و تمام عیوب را روبروی آدم می‌گوید و نه مثل شانه پشت سر، موبه‌مو بگوید. حضور در مساجد این بستر را فراهم می‌کند تا در جهت رشد فضایل و رفع رذایل اخلاقی گام‌های خوبی برداشته شود.

1. . توبه: 107. [↑](#footnote-ref-1)
2. . اصول الستة عشر (اصل زید نرسی)، ص 46. [↑](#footnote-ref-2)
3. . امالی شیخ طوسی، ص 47. [↑](#footnote-ref-3)
4. . من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 237. [↑](#footnote-ref-4)
5. . خصال، ج 2، ص 343. [↑](#footnote-ref-5)
6. . داستان‌ها و پندها، ج 9، ص 58. [↑](#footnote-ref-6)
7. . به نقل از کتاب نصایح (آیت الله مشکینی). [↑](#footnote-ref-7)